

رسانه رادیو و تلویزیون جام جم

اخبار

«مرضیه» از ورامین به تهران می‌آید



کارگردان مجموعه تلویزیونی «مرضیه» می‌گوید همزمان با گذشت ۱۵ روز از تصویربرداری، مراحل فنی مانند موسیقی و مونتاژ در حال انجام است. فلورا سام در گفت‌وگو با صبا درباره آخرین وضعیت مجموعه تلویزیونی مرضیه که کارگردانی آن را برعهده دارد، بیان کرد: با پایان مراحل پیش تولید مرضیه به کارگردانی من و تهیه‌کنندگی مجید اوجی، حدود ۱۵ روز پیش تصویربرداری این سریال در یکی از روستاهای شهرستان ورامین آغاز شد.

وی ادامه داد: داریوش ارجمند، گوهر خیراندیش، ماه‌چهره خلیلی و امیرحسین صدیق از بازیگرانی هستند که در شهرستان ورامین جلوی دوربین رفته‌اند.

کارگردان سریال مرضیه با بیان این‌که از ۱۲مرداد فیلمبرداری در تهران ادامه می‌یابد، عنوان کرد: تصویربرداری این سریال با توجه به قصه در مناطق مختلف تهران و در ۲۳ مکان فیلمبرداری پیگیری می‌شود.

سام تأکید کرد: همزمان با تصویربرداری، مراحل فنی مانند مونتاژ و موسیقی نیز در حال انجام است.

وی در پایان در پاسخ به این که تصویربرداری سریال مرضیه چه زمانی به پایان می‌رسد، تصریح کرد: به احتمال زیاد تا نزدیک ماه محرم و رسیدن به زمان پخش، تصویربرداری ادامه دارد و امیدواریم در زمان پخش مجبور به تصویربرداری نباشیم.

داریوش ارجمند، گوهر خیراندیش، ماه‌چهره خلیلی، مجید مظفری، پژمان باغی، امیرحسین صدیق، علی اوجی، نیلوفر شهیدی، مختار سائقی، شیوا خسرومهر و حسن زارعی از بازیگران این مجموعه هستند. داستان مرضیه یک ملودرام اجتماعی است که ماجرای آن جامعه روز را به تصویر می‌کشد. مرضیه دکتر جوانی است که همسرش را از دست می‌دهد و….

فصل سوم «روبی و جوجه‌ها»



بایک نکویی از تولید فصل سوم سریال پویانمایی «روبی و جوجه‌ها» و تولید یک مجموعه کارتون‌ی برای شبکه مجازی خبرداد. بایک نکویی، نویسنده و کارگردان درباره جدیدترین فعالیت‌های خود به صبا گفت: در حال حاضر مشغول تولید مجموعه کارتون برای پخش در شبکه‌های اجتماعی و پیش تولید دو پویانمایی کوتاه که برای حضور در جشنواره‌های داخلی و خارجی آماده می‌شود، هستم. هر دوی این کارها در استودیو گنبد کیود و با کارگردانی مشترک برادرم بهنود نکویی تولید می‌شود. وی افزود: تاکنون سه قسمت از مجموعه کارتون‌ی که قرار است به طور مستمر از شبکه‌های اجتماعی پخش شود، تولید شده و در حال حاضر مشغول تولید قسمت چهارم آن هستیم.

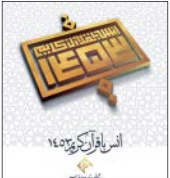
نکویی درباره موضوع دو کار جدیدش توضیح داد: مجموعه کارتون‌ی که قرار است در شبکه‌های اجتماعی توزیع شود به موضوعات اجتماعی و سبک زندگی می‌پردازد و آن دو کارتون کوتاه یکی با موضوع طنز و دیگری با موضوع افسانه‌هاست.

اودر ادامه از تولید فصل سوم سریال پویانمایی روبی و جوجه‌ها خبر داد و گفت: در حال حاضر مشغول تولید فصل سوم پویانمایی روبی و جوجه‌ها هستیم و دو قسمت از فصل سوم این پویانمایی در مرحله تولید است.

«۱۴۵۳» بشارت می‌دهد

در ادامه روند مسابقه پیامکی انس با قرآن کریم «بشارت ۱۴۵۳» قسمت بعدی آن امروز منتشر شد.

همزمان با اجرای طرح ملی حفظ قرآن با عنوان انس با قرآن کریم بشارت ۱۴۵۳ با محوریت جزء ۳۰ قرآن، مسابقه پیامکی روزانه برگزار می‌شود.



روزبه حصاری و ایوب آقاخان در نمایی از سریال «سلام آقای مدیر»

گفت‌وگو با روزبه حصاری، بازیگر سریال سلام آقای مدیر

کاش «امیرعلی‌ها» تکرار شوند!

ادامه از صفحه ۵

❖ شما در سریال سلام آقای مدیر لباس یک مدیر جوان را به تن کردید که باید یک دبیرستان را اداره کند و با شاگردان مدرسه سرو‌کله بزند. وقتی این نقش پیشنهاد شد، واکنش تان چگونه بود، آیا تان تعجب‌کننده سال‌های دبیرستان تان بود و ماه‌ها زای از شخصیت صدرا در معلمان آن دوران برای خودتان ترسیم کرده بودید یا نه؟

من به دنبال این شخصیت در تمام معلم‌هایم، دوستان و مدیرانی که می‌شناختم، گشتم و آخر سر به یکی از معلم‌هایم رسیدم. امیرعلی صدرا کاراکتری است که همه ما در دوران تحصیل مان آرزو می‌کردیم، مدیرمان باشد! حتما کسانی که در دوره محصل بود‌نمان بودند که اینقدر دغدغه‌مند باشند. البته شرایط روحی و آموزشی در مقطعی که من دبیرستانی بودم، طور دیگر بود و خیلی فضای نرم، لطیف و دوستانه بین بچه‌ها معلم‌ها و مدیران نبود، اما من از خانواده فرهنگی هستم و پدر و مادرم فرهنگی هستند.

بنابراین به شکل‌های مختلف با این فضا آشنا هستم. این که چه رفتارهایی معلمان با بچه‌ها دارند و برعکس و ... به همین دلیل من برای نقش به همه این موارد توجه کردم و این‌که می‌خواستم تصویری از یک مدیر دبیرستان برای مخاطب شکل بدهم که همه دوست دارند چنین مدیر دغدغه‌مندی را. شما می‌بینید که امیرعلی با تمام فشارهایی که در زندگی شخصی‌اش دارد، اما در مواجهه با شاگردان، اولیا و همکارانش در مدرسه، خویشتنداری، آرامش و حسن خلق خاصی دارد و ابعاد انسانی امیرعلی هم در کنار ابعاد کاری‌اش دیده می‌شود.

ای کاش افرادی مثل امیرعلی صدراها در حوزه مدیریت تکرار شوند یا این‌که چند درصد از مدیران این طور باشند که ای‌کاش کمی از این سطح دغدغه‌مندی‌های امیرعلی صدرا را با وجود فشارهای اقتصادی و ... داشته باشند.

❖ اشاره کردید پدر و مادر تان فرهنگی هستند. آیا برای ایفای نقش امیرعلی از آنها هم الگو گرفتید؟

بله، بسیار زیاد. جالب است برایتان بگویم که قصه زندگی پدرم شباهتی با زندگی امیرعلی صدرا سریال سلام آقای مدیر دارد. پدرم در دوران خدمت در حالی که بیست و اندی سال داشت به عنوان مدیر یک دبیرستان انتخاب شد و حکم مدیریت او را دادند. در همان مقطع هم معاونی در مدرسه بود که سن و سالی داشته و سال‌ها بود که در مدرسه کار می‌کرد و از قرار خوش‌اخلاق هم نبود و نسبت به پدرم گارد داشت که چرا او

با این سن و سال به عنوان مدیر انتخاب شد. این‌که به مرور زمان حسن خلقی که پدرم نشان داد باعث شد که با پدرم تعامل داشته باشد. قصه سریال سلام آقای مدیر هم تا حدودی به قصه پدرم نزدیک است، زیرا امیرعلی صدرا فرد جوانی است که به عنوان مدیر دبیرستان انتخاب می‌شود و از قرار آقای محسنی ناظم مدرسه (داریوش فرهنگ) که سن و سالی هم دارد و خیلی هم خوش‌اخلاق نیست با حضور صدرا مخالف است.

❖ چه جالب! آیا این اتفاق بود یا این‌که خودتان چنین سوزهای را به علیرضا توانا نویسنده و کارگردان سریال سلام آقای مدیر دادید و او این قصه را سریال کرد؟

نه، کاملاً اتفاقی بود. اصلاً من چنین سوزهای به آقای توانا نداده بودم و او شش تا هفت سال روی این سوزه کار کرده بود. اتفاقاً وقتی تراش تعریف کردم، خیلی هم تعجب کرد آقای توانا در این سریال سعی کرده که به مسائل بچه‌ها در دبیرستان بپردازد و درباره قصه هم با هم خیلی حرف زدیم و من به او گفتم که در دوران مدرسه من بچه بسیار درس‌خوانی بودم که معلم، ناظم و مدیر هیچ وقت با من چالشی نداشتند یا تشری ن‌زدند، اما همیشه ناراحت می‌شدم از این‌که برخورد شلاقی با هم‌کلاسم می‌شد که با هم دوست بودیم و تنها مشکلیش این بود که درسش خوب نبود.

مسلم‌ا هر فردی در حوزه‌ای استعداد دارد، اما برخورد‌های چکشی مدیران مدرسه باعث سرکوب شدن برخی استعدادها می‌شد. البته



گفت‌وگو با روزبه حصاری، بازیگر سریال سلام آقای مدیر

کاش «امیرعلی‌ها» تکرار شوند!

الان فضا تا حدودی تغییر کرده است. ولی در دوره من که دهه شصتی هستم این طور نبود و در سی‌و‌اندی سالی که از خدا عمر گرفت‌م شاهد عقه‌های فروخورده هستم. دوستی دارم که خارج از ایران زندگی می‌کند و در المپιάد شیمی برگزیده شده بود. او در دوران دبیرستان سن‌تور می‌زد. گاهی که با هم صحبت می‌کنیم، می‌گوید که ای کاش همان موسیقی را ادامه می‌داد. این ای‌کاش‌ها لحظه‌ای و عبوری هستند، اما در جای خودشان مهم‌‌اندا. واقعاً نمی‌دانم از چه واژه‌ای استفاده کنم، اما بحث آموزش و پرورش خیلی حیاتی است.

❖ اما من انتقادی نسبت به شخصیت امیرعلی دارم. این شخصیت وقتی در خانه و کنار مادرش غمگین و افسرده هست، حتی پسردایی‌اش متین (ایوب آقاخان) مرتب به او کمک می‌کند تا حالش را بهتر کند. اما وقتی امیرعلی وارد مدرسه می‌شود، کاملاً شخصیتش تغییر می‌کند و در رفتار با هم‌کاران و بچه‌های مدرسه حسن خلق و منطق خاصی می‌بینیم. این همه تضاد رفتاری در یک شخصیت قابل قبول نیست. نظر خودتان چیست؟

من با شما موافقم، اما این تضاد رفتاری را به‌عنوان حسن فیلمنامه نگاه می‌کنم. کافی است نگاهی به زندگی اطرافیان و دیگران در جامعه داشته باشید تا شاهد تضادهای روحی افراد باشید. درباره شما قضاوت نمی‌کنم. درباره خودم، دوستانم و ... می‌گویم. نگاه کنید همکاری تلفنش زنگ می‌خورد، ناگهان

علاقه‌مندان برای شرکت در این مسابقه تا ساعت ۲۴ همان روز مهلت دارند پاسخ مسابقه را به سامانه ۳۰۰۰۰۱۴۵۳ پیامک کنند. همچنین، قرعه‌کشی روزانه در سایت Qurantv.ir صورت می‌گیرد.

به شرکت‌کنندگان سه هدیه یک میلیون ریالی اهدا می‌شود.

جنس ادبیاتش فرق می‌کند. دایره واژگانش طور دیگری می‌شود. بعد از تمام شدن تلفن چند دقیقه سکوت می‌کند و دوباره همان فرد قبلی می‌شود. ما در جامعه‌ای زندگی می‌کنیم که پر از رفتارهای متناقض است.

❖ با این صحبت شما موافق هستیم که شاهد رفتارهای متناقض در جامعه هستیم، اما نمی‌شود یک فرد کاملاً در خانه افسرده باشد و بعد در اجتماع کاملاً منطقی و سرحال!

به عقیده من خانه یک محمل است که انسان‌ها خیلی عریان‌تر و رهاتر در مواجهه با همسر یا پدر و مادر هستند که با آنها زندگی می‌کنند. در جامعه ما وظایفی داریم که برپایان حصارهایی شکل می‌دهد. نمی‌دانم می‌خواهید این جمله را بگذارید یا نه، اما در خانه پیژامه پوشیدن همان قدر راحت‌تر است که بروز عواطف هم رهاتر است. بنابراین در اجتماع شما این‌طور نیستید.

❖ بله ما در خانه‌رها هستیم، اما باز هم موافق نیست‌م که امیرعلی صدرا خودش به لحاظ روحی نیاز به کمک دیگران دارد و از پس مشکلات شخصی بر نمی‌آید و مادرش و پسردایی‌اش کمک به او می‌کنند، حال چطور می‌تواند در مدرسه حال مشکلات دانش‌آموزانی باشد که در سن عصیان‌گری قرار دارند. به همین دلیل می‌گویم تضادهای رفتارهای امیرعلی برای مخاطبان قابل‌باور نیست. البته این مساله ارتباطی به بازی شما ندارد، بلکه من درباره شخصیت پردازی امیرعلی می‌گویم!

تا قسمت دهم قصه با شما موافقم که نباید دایی او را به عنوان مدیر دبیرستان انتخاب می‌کرد. باز هم جمله‌ای می‌گویم که نمی‌دانم می‌خواهید بگذارید یا نه. اما در دهه ۶۰ وقتی یک نفر معتاد می‌شد، می‌گفتند که زنش بدهید تا درست شود؛ زیرا معتقد بودند که باید در مسیر زندگی و مشکلاتش بیفتد تا ترک کند. حال تصمیم دایی هم تا حدودی این‌طور به نظر می‌رسد که از این جنس تصمیم باشد که امیرعلی را مدیر دبیرستان کرده تا غمش را فراموش کند، اما به‌مرور قصه متوجه شدید که اتفاقا دایی ذکاوت به خرج داده و امیرعلی را به عنوان مدیر دبیرستان انتخاب کرده است، زیرا با توجه به حسن خلقی که از امیرعلی سراغ داشت، می‌دانست که او بهترین گزینه برای مدیریت دبیرستان است و می‌تواند عصیان‌گری بچه‌ها را نه تنها مهار کند، بلکه مسیر زندگی آنها را درست تغییر بدهد.

❖ قبول دارید ریتم قصه سریال سلام آقای مدیر کند است و مخاطب را درگیر نمی‌کند؟ با توجه به این‌که شما خیلی گزیده انتخاب می‌کنید کارهای تلویزیونی‌تان و بیشتر در تئاتر بازی می‌کنید، برای من شخص عجیب بوده که بازی در این سریال را قبول کردید. آیا هنگام خواندن فیلمنامه متوجه این مساله نشده بودید؟

موافق نیست‌م که ریتم قصه سریال ما کند است، بلکه می‌گویم ریتم کار تن‌د نیست!

❖ خب این چه تفاوتی با جمله من دارد؟

الان درباره تفاوتش می‌گویم. شما وقتی سینمای ژاپن را ببینید، متوجه می‌شوید که سینمای خیلی کندی دارند.

❖ مگر ما در ژاپن زندگی می‌کنیم، شرایط زندگی مادر ایران با ژاپن فرق دارد!

همبازی بودن کنار فرهنگ، خوب و سخت

نقش را از جایی بیاورم. مثلاً در خانه یا بچه‌ام نیست! بلکه باید نقشی به من محول شود تا آن را بازی کنم. در تلویزیون که گزیده بازی می‌کنم، اما در تئاتر سعی می‌کنم یکی در میان نقش مثبت یا منفی بازی کنم. البته ما نقش مثبت یا منفی نداریم، بلکه نقش‌ها خاکستری هستند که گاهی کفه مثبت سنگین‌تر است و گاهی کفه منفی! بعد از سریال یادآوری نقش‌های زیادی شبیه علی‌اعلایی به بیضایی بوده و همین کار را سخت می‌کرد. من همیشه به بازیگران پیشکسوت می‌گویم که شما بزرگ‌ترین خیانت را به واسطه درست‌کاری‌تان به ما کردید. چون ما را با کارهای خوب‌تان عاشق ادبیات، سینما، تئاتر و ... کردید و حالا اگر کاری را در سطحی دیگر می‌بینیم غصه‌دار می‌شویم.

حصاری در پاسخ به این سؤال که چرا مثل تئاتر در تلویزیون نقش‌های منفی بازی نمی‌کنید، توضیح داد: تک‌الگوی من دنیل دی لویی‌س هست. به هر حال باید قبول کنید که من نمی‌توانم

یک شوخی و داستان دنباله‌دار عذرخواهی مجریان

داستان شوخی کردن و مزه پرائی‌های مجریان مختلف و البته حساسیت‌هایی که نسبت به حرف‌های آنها در برنامه‌ها وجود دارد، تمام‌شدنی نیست و هر از گاهی فیلمی از یک چهره که در حال عذرخواهی از گروهی است که آنها را با حرف‌هایش رنجانده، منتشر می‌شود. به گزارش جام جم، این بار قرعه این ماجرا به نام برنامه «سلام صبح بخیر» و حسین کلهر، مجری آن افتاد، می‌پرسید چرا؟ مختصر و مفید بگویم داستان از جایی شروع شد که لوگوی باشگاه استقلال تهران توسط یکی از طلبکاران و در راستای درخواست اجرای احکام، توسط

مجتمع قضایی عدالت توقیف شد. سلام صبح بخیر هم در بخش اخبارش این موضوع را اعلام کرد و از هزینهای گفت که در صورت عدم پرداخت آن لوگو به مزایده گذاشته می‌شود و بعد هم این تیم باید به فکر نشان تازه‌ای باشند. کلهر با شنیدن این خبر گفت که می‌داند حرفی که می‌زند باعث ناسزا شنیدنش خواهد شد اما با این وجود با شوخی که شاید چندان مناسب رسانه‌ای مثل تلویزیون نبود، آن را ادامه داد. بعد از این برنامه باشگاه استقلال به دنبال صحبت‌های کلهر به این موضوع واکنش نشان داد و بیانیه‌ای منتشر کرد که از قطع همکاریشان با صدا و

واما سؤال امروز یکشنبه، سیزدهم مرداد: ۳۶. «مُطَقِّقین» به چه معناست؟ الف- گران‌فروشان ب- کم‌فروشان

بله. اگر اجازه بدهید برایتان می‌گویم. شما فیلم‌های کوروساوا را ببینید. او یک فیلم هفت‌ساعته می‌ساخت. این در حالی بود که جامعه ژاپن خیلی هم سریع هستند و وقت‌شناس، منضبط و به‌شدت اصولگرا. ولی او برخلاف زندگی مردمش فیلم می‌ساخت.

سریال سلام آقای مدیر کندتر از زندگی مردم ما نیست. برایتان مثالی می‌زنم. من با شما ساعت ۶ عصر قرار دارم، اما با تاخیر ساعت ۷ می‌رسم. در مواجهه با شما در این تاخیر من مقصر هستم، اما مشکل این بوده که قبل از قرار با شما جایی بودم که صحبت ما طولانی‌تر شد و وقتی می‌خواهم بلند شوم به من می‌گویند فلانی حالا ده دقیقه دیگر بنشین! اتفاقاً نمی‌افتد! بعد از این زمان یکی دیگر می‌گوید حالا به خاطر ما پنج دقیقه صبر کن کارمان لنگ تو هست! خب این مساله در کل جامعه تسری دارد. اتفاقاً ما در جامعه تندی زندگی نمی‌کنیم که همه سر وقت کارشان انجام شود و منضبط باشند. کوروساوا با ساخت فیلمش قطب مخالف جامعه‌اش را نشان می‌داد. در مجموع با هم معتقد‌م که ریتم کار ما کندتر از زندگی روزانه‌مان نیست.

❖ ولی ویژگی درام این است که مخاطب را درگیر کند، اگر این‌طور نبود که می‌توانستیم هر کدام دوربین در خانه‌هایمان بگذاریم که همان زندگی خودمان را نشان بدهیم؟ در سریال سلام آقای مدیر این اتفاق افتاده و خیلی مخاطب را درگیر نمی‌کند.

به من اجازه بدهید که در موضع مدافع یا منتقد فیلمنامه قرار نگیرم. چون حوزه من نیست. حال چرا این کار را پذیرفتم، دلیلش این است که در مسیر کارِام حتی در تئاتر هم پیش آمده کارهایی قبول کردم که بعد پشیمان شدم و با خودم گفتم ای کاش قبول نمی‌کردم، اما وقتی به عقل و منطق آن زمانی که بازی کرده بودم، مراجعه می‌کنم، می‌بینم اشتباه نکردم. آنچه همیشه برای من اهمیت داشته این بوده که نانی که از بازیگری درمی‌آورم برایم حلال باشد، یعنی با قلبم شخصیتی را که انتخاب کرده‌ام را با بازی می‌کنم. به همین دلیل تمام قد از نقش‌هایم دفاع می‌کنم.

دلیل این‌که چرا نقش امیرعلی صدرا را پذیرفتم این بوده که خشم امیرعلی را در مواجهه با مشکلات دوست دارم، چون خشم درستی است. با وجود این‌که خشم دارم، اما مودب است و از کلمات درست استفاده می‌کند. من این چالش را در زندگی روز‌مرام هم دارم. برخی کارگردانان به من می‌گویند که چرا اینقدر مودبی؟ چرا وقتی سر صحنه می‌آیی؟ کت می‌پوشی؟ من شخصاً عجیب بوده که بازی در این سریال را قبول فحش بدهم؟! خب شبیه زیست من و خانواده‌ام این‌طور است.

❖ یعنی امیرعلی شبیه شخصیت واقعی خودتان هست؟

نه، شبیه من نیست. اما سطح خشونت امیرعلی را دوست دارم. به عنوان شهروند این همه خشونت در جامعه برایم جای تعجب دارد! این همه گوش‌های بسته و دهان‌های باز و این همه متکلم وحده بودن جای تعجب دارد. ما شنونده خوبی نیستیم. ادبیات ما به کجا می‌رود در فضای مجازی شاهد چه ادبیات‌هایی هستیم که ده یا ۱۵ سال پیش این‌طور نبودیم؟ کی ما می‌گفتیم داش گلم، خفن و ... واقعاً ما کی این‌طور حرف می‌زدیم؟ به همین دلیل می‌گویم امیرعلی صدرا در خشمش هم درست حرف می‌زند. کلامش درست است نه این‌که فاخر باشد. او می‌خواهد در مدرسه درست حرف زند را به بچه‌ها یاد بدهد نه این‌که فاخر حرف بزند و این دغدغه امیرعلی برای من شخصاً جذاب بود. آدم‌هایی از جنس امیرعلی در حال حاضر در جامعه کم هستند، به همین دلیل شما فکر می‌کنید که عجیب و غریب است!

در حال حاضر مشغول به چه کاری هستید؟

این روزها مشغول بازی در فصل سوم سریال تلویزیونی بچه‌مهندس هستم که نقش جوانی «جواد جوادی» را در این سریال بازی می‌کنم!



سیم‌تا زمانی که عذرخواهی رسمی اتفاق نیفتد، خبر داد.

در ادامه انتشار این بیانیه در روز گذشته، کلهر هم ویدئویی را منتشر کرد که در آن از همه استقلالی‌ها و باشگاه مربوطه عذرخواهی کرد و تمام آن شوخی‌ها و حرف‌ها را دنبال‌ال کل‌کلی خواند که با بقیه عوامل مثل تهیه‌کننده و ... در این زمینه داشته است.

این اولین بار نیست که چنین اتفاقی می‌افتد و قطعاً آخرین هم نخواهد بود، به همین دلیل با توجه به آن که رسانه ملی مخاطبان گسترده‌ای در تمام حوزه‌ها و بخش‌ها دارد، باید امیدوار بود برنامه‌سازان هم به این موضوع توجه داشته باشند تا حداقل اتفاق بعدی به تعویق بیفتد.